

مقابله با جنگ نرم در دانشگاه (با تأکید بر نقش اساتید و دانشجویان)

پذیرش مقاله: ۹۰/۶/۱۴

دریافت مقاله: ۹۰/۴/۱۱

فریبا لباف^۱

چکیده

در سالیان اخیر چهره جدیدی از قدرت در عرصه تعامل میان کشورها پدیدار شده که اندیشه و تفکر جامعه را مورد تهاجم خود قرار داده است، با توجه به اینکه جبهه اصلی جنگ نرم در داخل کشور، فضای دانشگاه می‌باشد، نقش اساتید و دانشجویان به عنوان فرماندهان جنگ و افسران جوان حایز اهمیت می‌باشد.

در این مقاله بررسی جایگاه رفیع فرهنگ به عنوان یکی از منابع و ابزارهای اعمال قدرت نرم که در دهه های بعد از خاتمه جنگ سرد، کانون توجه بازیگران سیطره طلب بوده، با برخورداری از ابزارهای بسیار پیشرفته رسانه ای به این شیوه به اعمال قدرت و تحمیل اراده خود به دیگران با سطوح مختلف جنگ روانی پرداخته ایم.

اساتید دانشگاه می‌توانند ادراک مناسب از وضعیت موجود را به دانشجویان منتقل و اتکا به بصیرت، ایمان و تقوای دینی و صیانت از جوهره ایمانی و بنیان های فکری و روحی را از الزامات مقابله با دشمن معرفی نمایند. در این رابطه قرآن کریم ما را به مقابله به مثل به همان شیوه های فکری - فرهنگی و تقویت افکار سالم در ضمیر جامعه، جهت خنثی نمودن هجمه های فرهنگی و نرم دعوت می نماید.

کلیدواژه‌ها

جنگ نرم / جنگ روانی / فرهنگ / ایمان و تقوای دینی

مقدمه

فرهنگ به عنوان ابزار تحمیل اراده از سوی ابر قدرتهای جهانی، رابطه محکمی با فهم دگرگونی‌های صورت گرفته در ماهیت قدرت و شیوه‌های اعمال آن از قدرت سخت به نرم دارد.

با نگاهی به جنگ نرم از نظر قرآن و استفاده از جنگ روانی و شیوه‌های مقابله با آن و پیشینه تاریخی می‌توان به این سؤال فرعی پاسخ داد که عصر حاضر که عصر ارتباطات می‌باشد جنگ نرم چه تأثیری بر نقش و جایگاه فرهنگ به عنوان یک ابزار اعمال نفوذ داشته است. در این میان نقش اساتید و دانشجویان به عنوان اصلی‌ترین، تأثیرگذارترین افراد در طراحی و اجرای راهبردهای لازم و ایجاد خاک‌ریزهای فکری و فرهنگی و الگوی جامعه و جلوگیری از پیشروی دشمن بسیار برجسته‌تر و پررنگ‌تر از سایر قسمت‌ها می‌باشد.

از همین رو رهبر معظم، دانشجویان را افسران و اساتید دانشگاه‌ها را، فرماندهان جبهه مبارزه با جنگ نرم دشمن دانسته‌اند. در این مقاله نقش ویژه اساتید و دانشجویان را در جنگ نرم به همراه راه‌کارهای پیشنهادی بررسی می‌نماییم.

جنگ نرم از نظر قرآن

تاریخچه جنگ نرم قدمت فراوانی داشته و قبل از اسلام نیز در جنگ‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در بدو ظهور دین مبین اسلام، کفار با شیوه‌های مختلف از جمله جنگ روانی به مقابله با رسول گرامی اسلام (ص) پرداخته و متقابلاً پیامبر عظیم‌الشأن نیز شیوه‌هایی را برای خنثی‌سازی و اقدام متقابل به کار می‌بستند. در تبلیغات مشرکان و کافران، پیامبر اعظم (ص)، ساحر (یونس/۲) و شاعر (انبیاء/۵) بوده و از جمله تعبیر قرآن در تبلیغات دشمنان علیه احکام اسلامی در سوره انعام آیه ۱۲ چنین آمده است:

«..... و إن الشياطين ليوحوان الی اولیائهم لیجادلوکم»

یعنی «اهریمنان سخت به دوستان خود وسوسه کنند تا با شما به جدل و منازعه برخیزند».

حداقل برداشت از آیه این است که کار برخورد و جنگ روانی علیه پیامبر اسلام (ص)، کاری سازمان دهی شده است؛ زیرا این وسوسه از سوی نخبگان به پیروان آنان است و این، حکایت از نوعی تشکل و سازمان دارد و در تعبیر آیه، واژه «لیوحون» نشان از اصرار بر کارشان و این که اقدامات آنها دفعی و اتفاقی نبوده است (منصورنژاد، ۱۳۸۶).

در آیه ۲۱۷ سوره مبارکه بقره خداوند متعال می فرماید:

«و لایزالون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم این استطاعوا»

«دشمنان شما همواره با شما در جنگ هستند».

«لایزالون» دلالت بر استمرار دارد و گویای آن است که دشمنان همیشه با شما در جنگ می باشند.

در سوره بقره آیه ۱۹۴ چنین آمده است:

«فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم»

یعنی «وقتی دشمنان با شما وارد جنگ شدند، شما هم با آنها مقابله به مثل کنید».

اگر جنگ نظامی است باید از طریق نظامی وارد شد، اگر جنگ اقتصادی است باید از طریق اقتصادی رو به رو شد و اگر جنگ فرهنگی و فکری است باید مقابله به مثل ما هم به همان صورت شکل گیرد.

هم چنان که دشمنان در تدارک وسایل و ابزار نوین علیه اسلام و مسلمین می باشند، مسلمانان باید همواره آمادگی دفاع داشته و به کسب تجهیزات مناسب اقدام نمایند.

سوره مبارکه انفال آیه ۶۰، مسلمین را به تجهیز عده و عده فرا خوانده، فلسفه آن ایجاد ترس و وحشت در دل دشمنان خدا و مسلمانان می باشد.

جنگ نرم از نظر قرآن جنگی است که ایمان و اعتقادات دینی و فرهنگی مردم را هدف قرار می دهد؛ به همین علت در قرآن کریم نوعی از جنگ نرم و مبارزه با آن را در قالب های مختلف مشاهده می کنیم که شگردهای مشرکان برای مقابله با پیامبر اسلام (ص) و تضعیف روحیه مسلمانان نمونه ای از آن است که این شگردها در میان اهل کتاب نیز برای مقابله با پیامبر (ص) رایج بوده است.

تحول در شیوه های اعمال قدرت

از آنجا که در مورد حوزه فعالیت های مربوط به جنگ روانی و حد و مرز آن، اتفاق نظر وجود ندارد، در ارایه تعریف روشن و مشخصی برای این نوع جنگ نیز اختلاف نظر دیده می شود. هر سازمانی این مفهوم را به شکلی تعبیر و تفسیر می کند. ولی می توان به این تعریف اشاره کرد: «جنگ روانی یعنی استفاده از هر نوع وسیله ای به منظور تاثیرگذاری بر روحیه و رفتار یک گروه، با هدف نظامی مشخص» (منصور ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۳۱).

تشخیص این که قدرت می تواند بدون کاربرد تهدیدها یا مشوق ها نیز اعمال گردد، در آراء متفکرانی پیش از جوزف نای^۱ نظیر، «میشل فوکو^۲»، «پیر بوردیو^۳»، «انتونیو گرامشی^۴» و دیگران هم قابل رؤیت است که به گونه ای از قدرت نرم اشاره هایی داشته اند.

1- Joseph s.Nye

2- Michel Foucault

3- Pierre boour dieu

4- Antonio Gramsci

برای نمونه «استیون لوکس^۱» معتقد است که نیازی نیست قدرت الزاماً عریان یا رفتاری باشد بلکه می تواند از طرفی اعمال گردد که به صورت ناخود آگاه بر شکل گیری ترجیحات اثر می گذارد. اما با این حال در ادبیات معاصر روابط بین الملل، بحث قدرت نرم با نام جوزف نای گره خورده است (بیالی ماترن، ۲۰۰۷: ۱۰۱).

اصطلاح قدرت نرم را نای اولین بار در کتابی تحت عنوان «ملزم به رهبری» که در سال ۱۹۹۰ منتشر گردید به کار گرفت.

اما مقصود وی از قدرت نرم چیست؟ قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب مطلوب از طریق «جاذبه» نه از طریق اجبار یا تطمیع، قدرت نرم توانایی شکل دهی، اثر گذاری و تعیین باورها و امیال دیگران است به نحوی که تضمین کننده اطاعت و فرمانبرداری آنان باشد (لوکس، ۲۰۰۷: ۹).

جوزف نای در کتاب «پارادوکس قدرت آمریکایی» در تشریح مفهوم قدرت نرم می گوید یک کشور ممکن است نتایج مطلوب خود را در عرصه سیاست جهانی صرفاً به این دلیل کسب نماید که دیگر کشورها می خواهند از وی پیروی کنند، او را سر مشق خود قرار می دهند و زبان به تحسین ارزش هایش می گشایند، وی این شیوه اعمال قدرت غیر مستقیم را که از طریق جاذبه، دیگران را وادار کنیم تا آنچه را بخواهند که ما می خواهیم، را قدرت نرم می نامند.

در شرایط اهمال قدرت نرم، افراد در عوض آنکه مجبور به انجام کاری گردند، به همکاری گرفته می شوند؛ بنابراین تنظیم دستور کاری در سیاست جهانی به منظور جذب دیگران است به نحوی که موجب شکل دهی به ترجیحات سایرین گردد (نای، ۲۰۰۲: ۱۹).

بنابراین مطابق نظریه نای، فراسوی قدرت سخت افزاری، ابزارهای قدرت دیگری نیز یافت می‌شوند که ریشه در گیرایی فرهنگی و ایدئولوژیک یک بازیگر در انظار دیگران دارند.

فرهنگ به مثابه قدرت نرم

ارایه تعریفی واحد از مفهوم فرهنگ که از ویژگی جامع و مانع بودن، برخوردار باشد، بسیار دشوار است و مردم شناسان و صاحب نظران عرصه مطالعات فرهنگی همواره از منظرها و نظریه‌های گوناگونی به این مفهوم کلیدی علوم اجتماعی نگریسته‌اند.

فرهنگ را می‌توان یک مجموعه کلی، شامل دانش، عقیده، هنر، اخلاق، قانون، سنت و دیگر توانی‌ها و عاداتی دانست که فرد به عنوان عضوی از جامعه تحصیل می‌کند. فرهنگ الگوی منسجمی از عقاید و رفتارها است که انسان از طریق یادگیری آن را کسب نموده و به نسل‌های بعدی منتقل سازد و نیز فرهنگ را نظامی از عقاید مشترک، مفاهیم، قواعد، معانی‌ای که در شیوه‌های زندگی انسان ظهور و بروز می‌یابند، قلمداد می‌کنند (فیشر، ۲۰۰۷: ۲۷).

بنابراین می‌توان فرهنگ را به معنای مجموعه آداب و رسوم، باورها، نگرش‌ها، هنرها، شیوه‌های زندگی و نیز سازمان اجتماعی یک کشور یا گروه خاص در نظر گرفت. در عصر حاضر سرنوشت جوامع بشری به یمن وقوع پیشرفت‌های شگرف و شگفت‌انگیز در عرصه‌های حمل‌ونقل و ارتباطات، چهره جهان ظرف چند دهه گذشته چنان متحول گردیده که رونق تحولات فرهنگی جوامع در سطحی وسیع مهیا شده است.

با سفر به اقصی نقاط جهان و نظاره‌گر بودن فرهنگ و زندگی آنان از مجرای رسانه‌های ارتباطی نظیر تلویزیون، ماهواره‌ها و اینترنت، به راحتی می‌توان محصولات فرهنگی را در اندک زمانی به دورترین نقاط عالم ارسال نمود.

در پایان جنگ سرد، با تحول بنیادین در نیروها و تغییر دستور کار سیاست جهانی، عنصر فرهنگ که پیش از این در حاشیه قرار داشت، منفذی برای تنفس و مجالی برای عرض اندام پیدا نمود. در فضای جدید محیط بین‌المللی، فرهنگ به عنوان عنصر کلیدی جهت تبیین سیاست خارجی دولت‌ها مطرح گردید. بازیگران مثلاً هانتینگتون در مقاله خود به صراحت معتقد گردید که تقسیمات کلان میان انسان‌ها و منبع غالب کشمکش‌ها، فرهنگ خواهد بود. دولت‌ها و ملت‌ها قدرتمندترین عناصر در امور جهان باقی خواهند ماند، لکن کشمکش‌های اصلی سیاست جهانی، میان ملت‌ها و گروه‌های متعلق به تمدن‌های مختلف رخ خواهد داد (هانتینگتون، ۱۹۹۳: ۲۲).

ولی در نهایت چنین نتیجه می‌گیرد که «مهمترین کشمکش‌های آینده میان خطوط کل فرهنگی که این تمدن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد، به وقوع خواهد پیوست (همان منبع: ۲۵).

اهمیت جایگاه فرهنگ در عرصه معادلات نوین جهانی تا بدان جا رسید که افرادی مانند جوزف نای، این عنصر را در منابع مولد قدرت نرم گنجانده و ظرفیت‌های بسیار بالای آن را برای اعمال نفوذ و تحمیل اراده مورد توجه ویژه قرار دادند.

جالب است که جوزف نای در هنگام بر شمردن منابع قدرت نرم در درجه اول از فرهنگ نام می‌برد. وی می‌گوید: من معتقدم که قدرت نرم یک کشور عمدتاً بر سه منبع می‌باشد: اول فرهنگ آن (به شرطی که در نظر دیگران جذاب باشد) دوم ارزش‌های سیاسی آن (وقتی که در داخل و خارج مورد توجه قرار می‌گیرند) و سوم

سیاست خارجی آن (زمانی که مشروع و دارای صلاحیت اخلاقی باشد (نای، ۲۰۰۷: ۱۶۴).

وی شرط جذابیت را مطرح می‌کند و عقیده دارد، فرهنگ کشوری را می‌توان قدرت آفرین نامید که در انظار مردمان دیگر کشورها جذاب باشد. عنصر جذابیت، محور تعریف قدرت نرم و ملاک اصلی تمیز و باز شناسی آن از قدرت سخت می‌باشد. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر فرهنگ یک کشور دارای نوعی جذابیت و گیرایی ذاتی باشد به نحوی که دیگر کشورها داوطلبانه و با آرامش خاطر نسبت به اقتباس و پیروی از مظاهر آن و مصرف محصولاتش رغبت نشان دهند، کشور مورد نظر قادر خواهد بود از فرهنگ خود به عنوان منبع مولد قدرت نرم استفاده کرده و خواسته‌هایش را بدون کار برد اهرم‌های پرهزینه زور و اجبار در فضای مسالمت‌آمیز و خالی از تنش بی‌آنکه موجب تحریک مستقیم سایرین گردد به آنها القا نماید.

سطوح مختلف جنگ روانی

۱- سطح راهبردی

«فعالیت‌های اطلاعاتی بین‌المللی که سازمان‌های دولتی برای تأثیرگذاری بر رفتارها، باورها و نگرش‌های خارجی، در راستای اهداف و منافع خودی انجام می‌دهند» (کریستوفر ال لیدا، ۱۳۸۳) دکتر محمود یزدان فام از محققان کشورمان در خصوص مخاطبین این سطح از عملیات روانی می‌افزاید: «این سطح از عملیات روانی با گسترش فناوری ارتباطات، پیشرفت بشر در علوم اجتماعی به خصوص روان‌شناسی اجتماعی و علوم ارتباطات رشد فزاینده داشته است.

عملیات روانی در سطح راهبرد ارکان سه گانه حکومت به مردم و نیروهای نظامی را به عنوان مخاطب هدف قرار می دهد. این سطح از قدرت نرم که تأثیر از فرهنگ راهبردی کشور است، به سطح رهبران و نخبگان یک کشور باز می گردد و بالاترین سطح رویاروی قدرت نرم تلقی می شود» (یزدان فام، ۱۳۸۷).

۲- سطح عملیاتی

« عملیات روانی، عملیاتی که پیش از درگیری و یا در طی دوران نبرد انجام می شود، در منطقه جغرافیایی خاصی که عملیات نظامی در آن صورت می گیرد، در راستای افزایش تأثیرگذاری درگیری ها و راهبردهای فرماندهان نظامی، بسیار ضروری است» (هاوکینز، ۱۳۸۳).

قدرت نرم در این سطح، از فرهنگ ملی متأثر است. هدف، سلب اراده و انگیزه، از مردم و بی تفاوت نمودن جمعیت همراه و تبدیل آن ها به جمعیت های معارض، مخالف و بی تفاوت و شکل دادن به نافرمانی های مدنی با ایجاد شکاف بین دو سطح راهبردی و میانی است.

۳- سطح تاکتیکی

« عملیات روانی تاکتیکی در منطقه ای صورت می گیرد که مأموریت تاکتیکی نظامی علیه نیروهای دشمن انجام می شود. هدف آن نیز حمایت و پشتیبانی از آن مأموریت و تحمیل فشار روانی بر نیروهای دشمن و اقناع مردم غیرنظامی برای یاری رساندن به فرمانده عملیات تاکتیکی، در راستای تحقق اهداف از پیش تعیین شده است» (بی ام. پو جمایر، ۱۳۸۲).

دکتر حجت ا... مرادی معتقد است که: «در سطوح عملیاتی و تاکتیکی، برای تضعیف مقاومت نیروهای استقرار یافته، دشمن از راه کارهایی هم چون دعوت به تسلیم و دیگر پیام های عملیات روانی، از طریق رادیو، فراخوان رسانه ای و اعلامیه

استفاده می‌کند. هدف اصلی آن در این سطح، سلب اراده و روحیه مقاومت در جبهه حریف و گرویدن به نیروهای مقابل و یا تسلیم شدن است» (مرادی، ۱۳۸۳).

تلاش‌های دولت آمریکا برای ایجاد شبکه‌های میانه رو در اسلام

ایالت متحده آمریکا برای مقابله با جهان اسلام، هم چون دوران جنگ سرد به شبکه سازی از عناصر میانه رو روی آورد. آن‌ها معتقدند اگرچه اسلام گرایان تندرو در جوامع اسلامی در اقلیت هستند، ولی توانسته‌اند شبکه‌های قدرتمندی را در جهان اسلام و در میان جوامع مسلمان آمریکای شمالی و اروپا ایجاد کند؛ بخش مهمی از تلاش‌های آمریکا برای شبکه‌سازی در کنار دیپلماسی عمومی و سیاست ارتباطات راهبردی، شناسایی شرکاء و مخاطبان اصلی در جوامع مورد نظر است. در واقع تشخیص متحدان بالقوه از میان دشمنان کنونی یکی از عمده ترین مشکلات دولت‌های غربی و سازمان‌های حامی مسلمانان میانه رو است.

در میان مسلمانان در سراسر جهان تفاوت‌های زیادی نه تنها در دیدگاه‌های مذهبی آنها، بلکه در جهت‌گیری اجتماعی و سیاسی آن‌ها هم چون؛ مفاهیم دولت، برتری شریعت بر دیگر قوانین، حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق اقلیت‌ها وجود دارد.

شرکای عمده آمریکا در جهان اسلام را می‌توان در پنج گروه عمده طبقه بندی نمود:

۱- دانشگاهیان و روشن فکران مسلمان لیبرال و سکولار: لیبرال‌ها به طور عمده به دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی گرایش دارند؛ زیرا در آن‌جا می‌توانند افکار خود را بسط دهند. این بخش می‌تواند سنگ بنای اولیه شبکه‌ای بین‌المللی، از مسلمانان میانه‌رو باشد؛

۲- روحانیون میانه رو جوان: یکی از دلایل موفقیت تندروها در ترویج عقایدشان استفاده از مساجد به عنوان ابزار تبلیغی است؛ در حالی که دانشگاه‌های لیبرال به

راحتی نمی‌توانند از طریق مساجد با مردم تعامل کنند؛ بنابراین جنبش مسلمانان میانه رو تا حد زیادی به مشارکت فعال روحانیون میانه رو وابسته است که در این خصوص روحانیون جوان بیشتر مدنظر قرار دارند؛

۳- **فعالان اجتماعی:** این فعالان که به تدریج افکار توسعه یافتگی را دنبال می‌کنند، به طور عمده با خشونت افراط گرایان رو به رو می‌شوند و معمولاً قربانیان فتواها و حملات خشونت بار هستند. این فعالان اغلب نیاز به حفاظت و حمایت دارند که یک شبکه بین المللی می‌تواند آن را فراهم کند؛

۴- **گروه های زنان:** زنان و اقلیت های مذهبی اغلب قربانی اسلام بنیادگرا و تفاسیر شریعت هستند. در برخی کشورها، زنان سازماندهی را آغاز کرده‌اند که بنیاد مهمی در ایجاد جنبش های اصلاح طلب به شمار می‌رود. صعود گروه های جامعه مدنی زنان فرصت هایی را برای ایجاد شبکه های میانه رو فراهم می‌کند؛

۵- **روزنامه نگاران و نویسندگان میانه رو:** با استفاده از اینترنت و دیگر رسانه های خارج از کنترل دولتی، پیام های تندروانه در جوامع اسلامی در سراسر جهان رسوخ کرده است؛ در حالی که نهادهای رسانه ای مورد حمایت آمریکا، نمی‌توانند به گسترش رسانه های محلی میانه رو کمک کنند. برای مقابله با گرایش های تندروانه در رسانه های مسلمان، ضروری است که از برنامه های تلویزیونی و رادیویی و سایت های اینترنتی میانه رو محلی حمایت شود. پخش اطلاعات در سراسر جهان اسلام اغلب توسط نهادهای تندرو و غیر دموکراتیک انجام می‌شود؛ در حالی که در برخی کشورها هیچ رسانه میانه روی وجود ندارد. در جنگ عقاید وجود رسانه های میانه رو، به جای رسانه های تندرو ضروری است. اندونزی نمونه خوبی از تأیید رسانه های میانه رو است (احدی، ۱۳۸۶: ۳۰).

اهداف مقابله با جنگ نرم

از آنجا که برای مقابله با تهدیدهای نرم، داشتن راهبرد بیش از داشتن قدرت مؤثر است، شایسته است راهبرد مقابله ای با جنگ نرم در دو حوزه داخلی و بین المللی تدوین و نقش هر یک از نهادهای دولتی و آموزشی در آن مشخص و تبیین شود. هدف کلانی که رهبر انقلاب مورد توجه قرار دادند، دفاع از نظام اسلامی و جمهوری اسلامی در مقابله با یک حرکت همه جانبه متکی به زور و تزویر و پول و امکانات عظیم پیشرفته علمی رسانه ای بود.

«امروز مؤثرترین سلاح بین المللی علیه دشمنان و مخالفین، سلاح تبلیغات است، سلاح ارتباطات رسانه ای است. امروز این قوی ترین سلاح است، و از بمب اتم هم بدتر و خطرناک تر است. دشمن با همین سلاح، لحظه به لحظه، قضایای ما را دنبال می کرد و به کسانی که اهل شیطنت بودند رهنمود می داد و «ان الشیاطین لیوحون الی اولیائهم لیجادلوکم» داریم به اولیای خودشان ایحاء می کردند، خوب این حضور دشمن است دیگر؛ حضور دشمن را از این واضح تر و روشن تر می شود فرض کرد» (۱۳۸۸/۷/۲).

الف - کاهش خسارت احتمالی:

رهبر انقلاب در دیداری که با دانشجویان داشتند، فرجام طرح ریزی های دشمنان را شکست تلقی کردند و نقش نخبگان در این میدان را مورد توجه قرار دادند. ایشان فرمودند:

«من الان به شما عرض می کنم، اینها در نهایت شکست می خورند، اما درجه بیداری و هوشیاری من و شما می تواند در میزان خسارت و ضرری که وارد می کنند، تأثیر بگذارد. اگر هوشیار باشیم، نمی توانند صدمه و ضرری بزنند. اگر غفلت کنیم، احساساتی بشویم، بی تدبیر عمل کنیم، یا خواب بمانیم ضرر و زیان و هزینه بالا خواهد بود؛ و لو در نهایت موفق نخواهند شد» (۱۳۸۸/۶/۴).

در واقع شاید نتوان صددرصد بر برنامه‌ریزها فایق آمد، اما هر میزان تلاش در مواجهه با این طرح‌ریزی‌ها ضروری است و در کاهش تبعات احتمالی مؤثر خواهد بود.

ب- جلوگیری از متزلزل شدن کار علمی در دانشگاه‌ها:

به طور طبیعی در هیاهوی دعوای سیاسی در دانشگاه‌ها آن چه بیش از همه آسیب جدی می‌بیند، برگزاری کلاس‌ها و برنامه‌های علمی دانشگاه است. افسران جوان باید مانع این آسیب شوند. این موضوعی است که رهبر معظم انقلاب مورد توجه قرار دادند:

«همین جا به شما بگویم، مواظب باشید توی این فضای سیاسی کوچک و حقیر، مبدا دانشگاه تحت تأثیر قرار بگیرد؛ مبدا کار علمی دانشگاه متزلزل شود؛ مبدا آزمایشگاه‌های ما، کلاس‌های ما، مراکز تحقیقاتی ما دچار آسیب بشوند؛ حواستان باشد. یعنی یکی از مسایل مهم در پیش روی شما، حفظ حرکت علمی در دانشگاه‌هاست. دشمن‌ها خیلی دوست می‌دارند که دانشگاه ما یک مدتی لااقل دچار تعطیلی و تشنج و اختلال‌های گوناگونی باشد؛ این برای آنها یک نقطه مطلوب است؛ هم از لحاظ سیاسی برای آنها مطلوب است، هم از لحاظ بلند مدت چون علم شما از لحاظ بلند مدت به ضرر آن‌هاست؛ لذا مطلوب آن‌ها این است که دنبال علم نباشید» (۱۳۸۸/۶/۴)

ج- آرام و منطقی نگه داشتن فضای دانشگاه:

ایجاد ناامنی در دانشگاه از اهدافی است که بانیان طراحی جنگ نرم قطعاً به دنبال آن هستند. تمام تلاش طراحان جنگ نرم این است که به گونه‌ای عمل کنند تا شرایط دانشگاه‌های کشور از کنترل خارج شود.

رهبر انقلاب مطالبی را مطرح کرده بودند که توجه به آنها راهگشا خواهد بود. ایشان فرموده بودند:

« در جنگ فرهنگی، در جنگ سیاسی، در جنگ امنیتی، تحرکات دشمن را درست نمی‌توان دید. گاهی اوقات، دشمن کار را به گونه‌ای ترتیب می‌دهد که حرف حقی، از زبان یک نفر صادر بشود! دشمن ناحق و باطل است، پس چرا می‌خواهد این حرف حق از زبان آن شخص صادر بشود؟ چون می‌خواهد خودش را کامل کند. این پازل از صد یا دویست قطعه تشکیل شده؛ یک قطعه اش هم همین حرف حقی است که آن شخص باید بزند تا این پازل را کامل کند! این جا این حرف حق را نباید زد. پازل دشمن را کامل نباید کرد. در این حد هوشیاری لازم است! بله، وارد سیاست بشوید و فکر سیاسی کنید؛ اما بسیار هوشیار. دشمن نباید از هیچ حرکت و اظهار و موضع‌گیری شما استفاده کند. این، اصل اول و یک خط قرمز است» (۱۳۸۸/۴/۱۵).

الزامات مقابله با جنگ نرم

الف) اسلامی شدن دانشگاه‌ها با تکیه بر رهنمودهای رهبران انقلاب اسلامی: با توجه به نقش سازنده‌ای که اسلام می‌تواند ایفا نماید، دانشگاه‌های کشور ما، به عنوان ام‌القری اسلامی، باید در راستای اسلامی شدن سیر نمایند. اسلامی شدن دانشگاه‌ها به مفهوم واقعی آن، اگر رخ دهد تحولی ساختاری جهت پیشرفت و نفوذ گسترش اندیشه اسلامی رخ خواهد نمود.

با توجه به این که دانشگاه مظهر حیات فکری جامعه است و هر چه بالنده‌تر و پویاتر باشد؛ بیشتر حکایت‌گری از حیات فکری جامعه خواهد بود. اسلامی شدن دانشگاه به آن مفهوم است که تمام حرکات و مظاهر و تجلیاتی که در آن بروز می‌کند، پیشینه اسلامی داشته باشد. امام خمینی (ره) این مفهوم را این گونه توضیح می‌دهند:

« معنای اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا بکند و خودش را از غرب جدا بکند و خودش را از وابستگی جدا بکند و یک مملکت مستقل، یک فرهنگ اسلامی داشته باشیم» (امام خمینی (ره)، صحیفه نور: ۵۵).

رهبر معظم انقلاب در همین زمینه می فرماید:

«معنای اسلامی شدن دانشگاه ها، متدین کردن دانشجویان است، دانشگاهی است که در آن درس و تحقیق باشد، ... بچه ها را متدین کنید، ... از هر چیزی که به این معنا کمک می کند، باید استقبال نمود و از هر چیزی که مزاحم و محل این معناست بایستی هر جور مقتضی می دانید، جلوی آن را بگیرید ...» (۱۳۸۲/۱۲/۷).

راه کارهای اسلامی شدن دانشگاهها

۱- روش مدیریتی اسلامی

مقوله مدیریت در تمام ساختارها و تشکیلات از نقش و اهمیت و کاربرد وسیعی برخوردار است، ولی در دانشگاه، حساسیت مدیریت از هر مکان و ساختار دیگری بیشتر است؛ زیرا در دانشگاهها، نیروهای اصلی جامعه و نیروی جوان جامعه وجود دارد، قوت مدیریت در این مجموعه، تعیین کننده است و ضعف مدیریت در جنبه های ارزشی؛ سبب انحراف همه نیروها می گردد. در این زمینه رهبر معظم انقلاب اسلامی می فرماید:

« مدیریت در دانشگاه بایستی در آن بخش که محل وصل دانشگاه به دولت است، تمرکز پیدا کند و آن عبارت است از وزارتخانه، یعنی همین وزارت آموزش عالی، یا وزارت آموزش پزشکی، این مبنای اصولی ما است، اگر فرض کنیم در برنامه ها این طور پیش بینی شود و طوری حرکت کنیم که دانشگاه ها کاملاً بتوانند جدا از سیاست عمومی کشور حرکت بکنند، این را ما، نه تنها قبول نداریم، بلکه این را

فساد دستگاه آموزش عالی می‌دانیم این جور نباشد که دشمن اگر توانست در گوشه‌ای از این کشور سرمایه‌گذاری بکند؛ در دانشگاه نتواند» (۱۳۶۹/۹/۲۷).

در مدیریت روشمند معطوف به ارزش‌ها، باید مدیریت، از روش‌های علمی و اسلامی به صورت تلفیقی بهره بگیرد و سیستم را به پیش ببرد؛ بنابراین اگر کاستی و نقضی در مدیریت حاکم بر دانشگاه وارد است، باید نظام اسلامی به سوی بهینه‌سازی سیستم مدیریت، شخص مدیران و روش حاکم بر دانشگاه، حرکت نماید.

۲- گزینش استادان نخبه اسلامی

در اندیشه اسلامی، برای نخبه و مفهوم سازی از آن، باید دقت بیشتری ورزید، در فرهنگ سکولار، نخبه به کسی اطلاق می‌شود که با سنت‌ها درگیر شود و هر کس با سنت بیشتری به تعارض برسد، از نخبگی بیشتری برخوردار است و حال آن‌که در اندیشه دینی، نخبه، انسان واصل به حق است، انسانی که شیفته نجات و رهایی دیگران است. حضرت علی (ع) چنین انسانی را همان طیب الهی می‌داند (فیض الاسلام، ۱۳۷۵).

۳- تربیت دانشجویان متدین

یکی از اهداف جوهری این انقلاب، تربیت نسلی متدین بود که با نمادها و سمبل‌ها و راه‌یابی‌ها و آموزه‌های دینی پیوندی ناگسستنی برقرار نماید. به این معنا که ایمان دینی را در حوزه‌های مختلفی به اندیشه نسل انقلاب منتقل سازد؛ «ایمان دینی باید در سه حوزه شناختی، عاطفی، عملی، اثرهای خود را بگذارد، تا جمع این‌ها را ایمان بنامیم. یعنی ایمان، باید هم مؤلفه‌های فکری و اعتقادی داشته باشد و هم باید احساسی عاطفی باشد و هم باید عملی و رفتاری باشد» (مجله اندیشه حوزه، شماره ۳۲-۳۳: ۲۶).

رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرمایند:

« اگر توانستید جوان های دانشجو را متدین کنید، هم دنیا و آخرت آن ها، هم دنیا و آخرت خودتان را آباد کرده اید» (بیانات رهبری، ۱۳۷۸: ۹۲).

در نظرسنجی های به عمل آمده، ۹۵ درصد یا بیشتر دانشجویان قبول دارند که خدا هست، قبول دارند که پیامبرانی از جانب خدا آمده اند و معاد و وجود دارد و امامت هم ادامه رسالت نبوت است، ولی در عین حال بنیه فکری آن ها در راستای این باورهای قلبی تقویت نشده؛ بنابراین این متون باید به گونه ای باشند که بتوانند دانشجو را در فضایی معنایی به سیر و عمل و تکاپو وا دارند.

ب) تشکیل اتاق فکر:

رهبر انقلاب در دیدار با دانشجویان، طراحی نوع مبارزه را به خود دانشجویان واگذار کردند. ایشان فرمودند: «این که چه کار باید بکنید، چه جوری باید عمل کنید، چه جوری باید تبیین کنید، اینها چیزهایی نیست که من پیام فهرست کنم؛ ... اینها کارهایی است که خود شماها باید در مجامع اصلی تان، فکری تان، در اتاق های فکریتان بنشینید، راه کارها را پیدا کنید».

ج) پرهیز از بسته شدن فضا:

رهبر انقلاب در دیدار با اساتید دانشگاه در عین این که بر ضرورت مقابله با جنگ نرم تأکید داشتند، بحث کرسی های آزاداندیشی را پیش کشیدند و تأکید کردند که نباید از اظهارنظر بیمناک بود.

فرمودند: «یکی دیگر از کارهایی که باید در زمینه مسایل گوناگون اجتماعی و سیاسی و علمی انجام بگیرد، میدان دادن به دانشجویان برای اظهارنظر، از اظهارنظر نباید بیمناک بود. این کرسی های آزاداندیشی در دانشگاهها باید تحقق پیدا کند و باید تشکیل بشود. اگر چنان چه بحث های مهم تخصصی در زمینه سیاسی، در زمینه های اجتماعی، در زمینه های گوناگون حتی فکری و مذهبی، در محیط های

سالمی بین صاحبان توان و قدرت بحث مطرح بشود، مطمئناً ضایعاتی که از کشاندن این بحث ها به محیط های عمومی و اجتماعی ممکن است پیش بیاید، دیگر پیش نخواهد آمد» (۸۸/۶/۴).

د) ضرورت مخاطب شناسی:

مخاطب اصلی طرح ریزی های افسران مقابله با جنگ نه سردمداران جریان مقابل بلکه افکار عمومی دانشجویی است. افکار عمومی ای که تحت القائات غلط ممکن است قضاوت های نادرستی در خصوص مسائل کشور داشته باشد و این قضاوت با تبیین درست مسایل به راحتی قابل تغییر است. نباید در برنامه ریزی، مخاطب را به اشتباه چند فرد خاص یا یک تشکل خاص قرار داد.

آسیب های مقابله با جنگ نرم

در مقابله با جنگ نرم بیش از هر چیز باید قواعد مقابله را شناخت در مواجهه با قدرت نرم لزوماً دشمن در طرف مقابل دشمن نایستاده است بلکه ممکن است یک عنصر فریب خورده در طرف مقابل باشد. از حیث نوع مقابله نیز باید راه کارهای نرم را مورد توجه قرار داد.

از مهم ترین آسیب هایی که می تواند متوجه طرح ریزی های جریانات دانشجویی برای مقابله با جنگ نرم باشد در سخنان رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) مورد اشاره قرار گرفته است.

الف) احساسی عمل کردن:

اولین آسیبی که رهبر انقلاب برشمردند، برخورد احساسی با موضوع بود. شاید بازخوانی سخنان ایشان بعد از حوادث ۱۸ تیر در این جا راه گشا باشد. ایشان فرمودند:

« وقتی هیجانانگیز، پا وسط بگذارند، دشمن فوراً استفاده خواهد کرد. بارها گفته ام، من معتقدم که جوان مملکت بایستی در همه میدان‌ها حضور داشته باشد؛ منتها با انضباط، این گونه حرکتی که ملاحظه شد کسانی به دانشگاه حمله کنند، ناشی از بی انضباطی است؛ با هر نامی انجام گیرد، غلط و محکوم است. اگر با نام دفاع از دین هم انجام گیرد، غلط است؛ اگر با نام دفاع از ولایت هم انجام گیرد، غلط است. هیچ کس نباید رفتار خشونت‌آمیز داشته باشد؛ چون این، دشمن را خوشحال می‌کند. بارها ما این حرف را گفتیم، چرا گوش نکردند؟! چرا گوش نمی‌کنند؟! حتی اگر یک حرفی که خون شما را به جوش می‌آورد به زبان آوردند- مثلاً فرض کنید اهانت به رهبری کردند- باز هم باید صبر و سکوت کنید. اگر عکس مرا هم آتش زدند و یا پاره کردند، باید سکوت کنید. نیرویتان را برای آن روزی که کشور به آن نیازمند است، برای آن روزی که جوان و مؤمن و حزب الهی باید در مقابله با دشمن بایستد، حفظ کنید، و الاً حالا فرض کنیم یک جوان، یا یک دانشجوی فریب خورده ای هم حرفی زد و کاری کرد، چه اشکالی دارد؟ من از او صرف نظر می‌کنم.

ب) تندروی و تشدید فضای هیجانی و جنجالی:

رهبر معظم انقلاب در عین تأکید بر ضرورت برنامه ریزی و مقابله با جنگ نرم به یک مسئله مهم اشاره کردند و آن پرهیز از تندروی بود. ایشان فرمودند:

« شرط دیگر این است که در قضایا افراط وجود نداشته باشد. طبیعت جوان، طبیعت تحرکت و تندی است. این دوره زندگی شما را ما هم گذرانده‌ایم؛ آن هم در دوران‌های انقلاب و اوایل مبارزات و اینها بوده، تندی را می‌دانم چیست. خیلی هم به ما نصیحت می‌کردند که آقا تندی نکنید، ما می‌گفتیم که نمی‌فهمند چقدر لازم است تندی کردن! اما حالا از ما بشنوید دیگر مراقب باشید تندروی، انسان را پیش نمی‌برد. با فکر تصمیم بگیرید توقع این که شماها مدبرانه و فکورانه فکر کنید و بدون تندروی، بدون افراط و تفریط توی قضایا، رفتار کنید؛ توقع زیادی نیست.»

نتیجه گیری

از مجموع مباحث مندرج در مقاله حاضر، به این نتیجه می‌رسیم که تحولات شگرف محیط بین الملل طی دهه‌های اخیر سبب بروز دگرگونی عمیقی در شیوه‌های اعمال قدرت میان بازیگران شده است.

ظرف جهانی کنونی برای کاربرد ابزارهای سخت افزاری قدرت، در مقیاس وسیع بسیار مضیق گشته و جهانیان دیگر شعله ور نمودن پیاپی آتش جنگ‌های خونین را همچون گذشته بر نمی‌تابند؛ بنابراین کاربرد قدرت نرم از جنبه‌های گوناگون بر قدرت سخت برتری یافته است تا جایی که حتی ابر قدرت جهانی نیز توجه جدی به شیوه‌های نوین تحمیل اراده در عصر ارتباطات و اطلاعات، نظیر فرهنگ‌گریزی داشته است.

بنابراین با جذابیت ظاهری که برای مخاطبان ایجاد می‌کنند، آن‌ها را در پی بردن به انگیزه اصلی، دچار مشکل می‌کنند. دشمنان از این طریق می‌توانند اهداف مورد نظر خود را به مخاطب تحمیل کنند.

به طور قطع راه مقابله با جنگ نرم که امروزه به طور ویژه دانشگاهیان ما درگیر آن هستند، این است که اولاً درک کنیم که این هم یک نوع جنگ است. گمان نکنیم جنگ، فقط جنگ نظامی و سخت است. طرف مقابل ما در این جنگ نیز به دنبال اهداف و منافع خاص خود است. درک این که در شرایط جنگ نرم قرار داریم، کمک می‌کند تا واقعیات اجتماعی و سیاسی اطرافمان را بهتر ببینیم.

پیشنهادها

– درک صحیح تحولات نو ظهور، در عرصه جهانی، منابع و ابزار آلات قدرت نرم برای دانش‌پژوهان علم بسیار ضروری است.

- نقش اساتید متعهد و با ایمان در مقابله با جنگ نرم حایز اهمیت می باشد تا ادراک مناسب از وضعیت موجود را به دانشجویان منتقل نمایند.

- تقویت بنیه فکری، ایمان و تقوای دانشجویان

- آگاهی بخشی، یادآوری و تذکر دایماً صورت پذیرد.

- نگاه خوشبینانه و امیدوارانه به آینده با بصیرت.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابراهیمی خوسفی، منصور (۱۳۸۶). جنگ نرم ۴ عملیات روانی و فریب استراتژیک، چاپ چهارم مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
- ۳- احدی، افسانه (۱۳۸۶). جنگ نرم- براندازی در کشورهای مدل، نگاهی به پروژه آمریکایی ایجاد شبکه‌هایی از مسلمانان میانه‌رو، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
- ۴- امام خمینی (ره)، (پاییز ۱۳۷۸). صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۵- پوجمایر، بی ام (۱۳۸۲). دکترین و فرآیند تصویب و اجرای فرآورده عملیات روانی، ترجمه: رضا کرمی نیا، فصلنامه روانی، سال اول، شماره ۲.
- ۶- فیض الاسلام، علینقی (۱۳۷۵). نهج البلاغه، نشر.

- ۷- کریستوفر، ال لیدا (۱۳۸۳). دکترین مشترک عملیات روانی استراتژیک بین سازمان صحنه نبرد، ترجمه: علی اصغر تقی پور، فصلنامه عملیات روانی، سال دوم، شماره ۵.
- ۸- مجله اندیشه حوزه، شماره ۳۲.
- ۹- مرادی، حجت الله (۱۳۸۶). عملیات روانی در عصر انقلاب اطلاعاتی، فصلنامه عملیات روانی، سال اول، شماره ۱.
- ۱۰- منصورنژاد، محمود (۱۳۸۶). تحلیلی بر جنگ روانی، با تأکید بر کتاب و سنت، فصلنامه عملیات روانی، سال پنجم، شماره ۱۷.
- ۱۱- نای، جوزف اس (۱۳۸۷). قدرت نرم، ترجمه: سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- ۱۲- هاوکینز، جیمز (۱۳۸۳).
- ۱۳- یزدان فام، محمود، (۱۳۸۷). عملیات روانی در نسل چهارم جنگ های مدرن، سایت اینترنتی همایش عملیات روانی، مهندسی و آینده پژوهی.

منابع انگلیسی

- 1- Bially Mattern/2007/101
- 2- Huntington/1993/
- 3-Lukes/2007/90/22
- 4-Fischer/2006/27
- 5- Nye/2002/89
- 6-Nye/2007/164
- 7-www.Tebyan.net/society/politics
- 8-www.aei.org/society/politics